بسمه تعالی

**موضوع**: واجبات رکوع /رکوع /صلاه

فهرست مطالب:

[ادامه مساله 6 1](#_Toc135995639)

[مراد از کلام صاحب عروه 2](#_Toc135995640)

[کلام محقق همدانی 5](#_Toc135995641)

[کلام محقق حائری 5](#_Toc135995642)

[کلام محقق بروجردی 6](#_Toc135995643)

[بررسی قول اول: تشدید انحناء 7](#_Toc135995644)

[بررسی قول دوم: صاحب جواهر 7](#_Toc135995645)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته در ادامه مساله 5 اشکال تعارض روایت لاتعاد با روایت من زاد فی صلاته و اشکال رجوع به برائت بعد از تعارض و تساقط مطرح شد و مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه مساله 6 مطرح شد.

# ادامه مساله 6

بحث در مورد کسی بود که به صورت مادرزادی یا مریضی، کمرش خمیده بود و عرفا به او شیخ راکع گفته می شود. صاحب عروه تعبیر کردند:

«‌فإن تمكن من الانتصاب و لو بالاعتماد على شي‌ء وجب عليه ذلك ..... و إن لم يتمكن من ذلك لكن تمكن من الانتصاب في الجملة فكذلك»[[1]](#footnote-1)

ظاهرا مقصود ایشان از تمکن من الانتصاب، تمکن از قیام عرفی است که از حالت رکوع خارج می شود و مقصودشان از فرض «لم یتمکن من الانتصاب لکن تمکن من الانتصاب فی الجمله»، فرضی است که صدق قیام بر انتصاب او نمی شود و هنوز در حد رکوع است اما می تواند قریب به قیام بشود؛ یعنی می تواند انحناء را تخفیف بدهد و قریب به حال قیام بشود ولو هنوز به او راکع می گویند، همین مقدار هم واجب است. در بحث قیام هم گذشت که مشهور هم این را واجب می دانند.

البته این مساله تا زمان شهید اول مطرح نبوده است تا اینکه ایشان در ذکری ج 3 ص 365 و در دروس مطرح کرده اند:

«و لو أمكنه أن ينقص من انحنائه حال قيامه- باعتماد أو غيره- وجب ذلك قطعا»[[2]](#footnote-2)

شهید ثانی در مسالک و محقق ثانی هم در جامع المقاصد این فرض را مطرح کردند و در کشف اللثام ج 4 ص 74 آمده است: «فإن أمكنه تقليل انحنائه أو الانتصاب بالاعتماد كان هو الواجب»[[3]](#footnote-3)

متمکن از این نیست که رکوعش را به قیام تبدیل کند به نحوی که به او راکع گفته نشود اما می تواند انحناء را تخفیف دهد، واجب است این کار را بکند.

در کلمات متاخرین هم آمده است:

صاحب جواهر در جلد 10 ص 82 مطرح می کند و بعد می فرمایند: چون این تخفیف انحناء از حد رکوع خارج نمی کند، آن واجب نیست؛ چون دلیل بر وجوب تخفیف انحناء نیست؛ بله اگر بتواند با این تخفیف انحناء، عرفا از راکع خارج شود، واجب است.

در وسیله النجاه‌ مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی مطلبی دارند که امام خمینی و مرحوم گلپایگانی پذیرفته اند، ایشان فرمودند:

«و إن لم يتمكّن من الانتصاب التامّ فالانتصاب في الجملة و ما هو أقرب إلى القيام ليركع عنه و إن لم يتمكّن أصلًا وجب أن ينحني أزيد من المقدار الحاصل إذا لم يخرج بذلك عن حدّ الركوع»[[4]](#footnote-4)

یعنی انتصاب فی الجمله را به این معنا گرفتند که هر چه به قیام نزدیکتر بشود ولو عرفا قائم در مقابل راکع، صدق نکند، این کار واجب است و اگر اصلا تخفیف انحناء بر او ممکن نیست، تشدید انحناء کند بشرط اینکه تشدید انحناء او را از حد رکوع شرعی خارج نکند.

## مراد از کلام صاحب عروه

صاحب عروه بر صراط النجاه صاحب جواهر حاشیه دارند و در آن کتاب مقصودشان کامل توضیح دادند.

صاحب جواهر فرموده است: «لو کان کالراکع خلقه او لعارض لم یجب علیه زیاده فی الانحناء و ان کان احوط»

کسی که راکع مادرزادی است بعد از اینکه حمد و سوره خواند، قصد کند بقاء رکوع مادرزادی اش، رکوع صلاتی شود، احتیاجی ندارد که انحناء‌ را تشدید کند، اگرچه احتیاط این است که رکوع را تشدید کند به شرط اینکه با این تشدید از حال رکوع خارج نشود.

صاحب عروه در ذیل این عبارت فرمودند: تشدید انحناء واجب است «بل لایخلو من قوه»

صاحب جواهر در ادامه فرمودند: «اما اذا تمکن من الانتصاب علی وجه یخرج به عن مسمی الرکوع وجب و ان لم یتمکن من الانتصاب علی الوجه المذبور لا یجب و ان کان هو الاحوط»

اگر می تواند انحناء را تخفیف بدهد به حدی که دیگر به او راکع صادق نباشد، واجب است این تخفیف را ایجاد کند و به حالتی برگردد که به او عرفا راکع صدق نمی کند و قائم صدق کند و بعد رکوع کند اما اگر نمی تواند به حال قیام برگردد و فقط می تواند تخفیف در انحناء بدهد، این واجب نیست، اگرچه فرمودند: احتیاط مستحب این است که تخفیف در انحناء بدهد.

صاحب عروه در حاشیه بر صراط النجاه صاحب جواهر فرمودند: بل الاقوی؛ یعنی اقوی این است که تخفیف انحناء واجب است ولو او را از حالت مسمی الرکوع خارج نکند ولذا عبارت عروه را به نظر می رسد باید اینطور معنا کرد و به نظر محقق خوئی خوب معنا نکرده اند.

«و إن لم يتمكن من ذلك لكن تمكن من الانتصاب في الجملة فكذلك»[[5]](#footnote-5) انتصاب فی الجمله یعنی انتصابی که او را از صدق عنوان رکوع خارج نمی کند اما تخفیف انحناء است و به حال قیام قریب می شود، این واجب است و اگر این ممکن نیست، باید تشدید انحناء کند و اگر تشدید انحناء ممکن نبود، علی الاحوط همراه با قصد قلبی رکوع، ایماء می کند.

محقق خوئی عبارت را اینطور ظاهرا فهمیده اند:

«‌فإن تمكن من الانتصاب و لو بالاعتماد على شي‌ء وجب عليه ذلك ..... و إن لم يتمكن من ذلك لكن تمكن من الانتصاب في الجملة فكذلك»[[6]](#footnote-6)

تمکن از انتصاب را به تمکن از قیام همراه با اقامه صلب معنا کردند و در ادامه فرمودند:

«و إن عجز عن ذلك أيضاً فلم يتمكّن من الانتصاب أصلًا، فإن تمكن من القيام في الجملة و لو منحنياً الّذي هو حد متوسط بين الركوع و بين الانتصاب التام وجب ذلك و كان ركوعه اختيارياً أيضاً فإنّه متقوّم بمطلق القيام لا بخصوص القيام الانتصابي»

کسی که متمکن از انتصاب نیست را ایشان معنا کردند به اینکه کسی متمکن از اقامه الصلب نیست، اگر می تواند قیام کند، قیام کند؛ چون به او قائم می گویند و راکع نیست اما منتصب القامه گفته نمی شود.

در ادامه ایشان فرمودند: «و إن لم يتمكّن من القيام أصلًا، فتارة يفرض تمكنه من ازدياد الانحناء و الانتقال إلى مرتبة اخرى اخفض ممّا هو عليه مع المحافظة على عدم الخروج عن أقصى مراتب الركوع، و أُخرى لا يتمكّن من الزيادة أصلًا، أو لو زاد خرج بذلك عن حدّ الركوع الشرعي»[[7]](#footnote-7)

اگر اصلا متمکن از قیام نیست، یعنی هر چه رکوع را تخفیف دهد، قیام نمی شود و رکوع از بین نمی رود و صرفا تخفیف انحناء است و عرف به او راکع می گوید؛ در این صورت تشدید انحناء را مطرح کردند و فرمودند: مشهور و صاحب عروه قائل به تشدید انحناء هستند اما ما قائل به لزوم ایماء هستیم و تشدید انحناء کافی نیست.

ایشان علاوه بر اینکه عبارت عروه را صحیح معنا نکردند، اشکال مهم تر این است که ایشان فرض کردند این فرد اگر متمکن از قیام نیست و اگر تخفیف رکوع هم بدهد، متمکن از قیام نیست، واجب است که ایماء کند؛ درحالیکه این درست نیست، بسیاری از پیرمردها که کمر خمیده هستند، مشکلشان این است که نمی توانند بایستند اما در نشستن و خوابیدن مشکلی ندارند و مثل انسان عادی می نشیند و می خوابند و لذا طبق نظر ایشان در موسوعه ج 14 ص 29 که فرمودند: اگر انحناء به حدی است که عرفا صدق قیام نمی کند، وظیفه نماز جلوسی است، باید در این مساله تذکر می دادند که این پیرمردی که کمر خمیده شده و نمی تواند عرفا قیام کند اما می تواند بنشیند و صدق جلوس می کند، باید از جلوس به رکوع برود و طبق نظر ایشان رکوع جلوسی بر ایماء مقدم است. شاید ایشان در ذهنشان این بود که این فرد اگر بنشیند هم باز با کمر خمیده می نشیند و صدق جلوس نمی کند درحالیکه این به نظر درست نیست و پیرمردهای کمر خمیده مشکلی در نشستن ندارند و در حال نشستن راکع صدق نمی کند.

البته مشهور این نظر را قبول ندارند و محقق سیستانی هم در همان بحث به محقق خوئی اشکال گرفتند که در روایت سوال کرد که برای نماز در کشتی آیا نشسته بخواند یا ایستاده؟ حضرت می فرماید: «يَقُومُ وَ إِنْ حَنَى ظَهْرَهُ»[[8]](#footnote-8)

محقق سیستانی مثل جمعی از بزرگان یقوم دراین روایت را که سائل گفت: توان قیام ندارد، معنا کردند به اینکه مجازا بایستد، یعنی هر چه قدر می تواند خود را به قیام نزدیکتر کند یا مجازا گفتند در این حال قیام این فرد همین است.

البته ما با نظر محقق خوئی موافق بودیم که "یقوم و ان حنی ظهره" در این روایت می گوید: تا وقتی که انحنائش مخل به صدق قیام نیست، قیام بکند و ظهور ندارد در اینکه اگر انحنائش مخل به قیام است، باز هم قیام کند تا صدق مجازی قیام بشود.

پس اگر فرض کنیم این پیرمرد خمیده بنشیند، جلوسش خمیده و راکع نیست، نماز نشسته با رکوع جلوسی بر نماز ایستاده با ایماء به رکوع مقدم است و احتیاط این است که یک نماز ایستاده با ایماء به رکوع هم بخواند.

نظر صاحب عروه هم که موافق مشهور است، این بود که اگر می تواند، خمیدگی را تخفیف کند و اگر نمی تواند، تشدید کند به نحوی که از صدق رکوع خارج نشود. محقق همدانی و محقق بروجردی و محقق حائری در کتاب الصلاه هم این قول را قبول کردند و این قول اول در مساله است.

## کلام محقق همدانی

ایشان در ج 12 مصباح الفقیه ص 416 فرمودند: ما در بحث قیام مطرح کردیم که قیام کل شخص بحسبه و این پیرمرد خمیده قیامش همین است که با همین خمیدگی بایستد و رکوعش به تشدید در انحناء است و اگر خمیدگی اش به حد رکوع شرعی رسیده است، لازم نیست به حداکثر ممکن تشدید کند، بلکه چند سانت انحناء کافی است و عرف راکع را صادق می داند. تا وقتی که تشدید انحناء نکند، عرف رکع را صادق نمی داند و با این بیانشان نظر صاحب جواهر را رد می کنند که ایشان قائلند: اگر عرفا با تشدید و تخفیف انحناء، از حال رکوع نمی تواند خارج شود، اصلا تکان خوردن لازم نیست و قصد قلبی می کند که این انحناء رکوع باشد و در مقابل محقق همدانی می فرمایند: باید تشدید انحنائی انجام دهد تا عرفا صدق رکع بشود.

در ادامه محقق همدانی فرمودند: اگر به این پیرمرد های خمیده بگویید: نماز با رکوع بخوانید، ارتکازشان همین است که موقع رکوع باید انحناء را تشدید کنند و یا افرادی که نزد امراء می روند و احترام می کنند، اگر پیرمردی خمیده برود در مقابل او تشدید انحناء می کند و عرف به این تشدید انحناء رکوع می گوید.

## کلام محقق حائری

محقق حائری در کتاب الصلاه ص 234 شبیه این را فرمودند: اگر پیرمرد خمیده انحنائش به آخرین درجه رکوع عرفی نرسیده است، همان تشدید انحناء در نظر عرف احداث رکوع است، بله اگر به حدی خمیده است که مرز آخر رکوع است که اگر آن مرز را رد کند، دیگر رکوع صدق نمی کند و تشدید انحنائش به حدی که صدق رکوع کند، ممکن نیست، در این فرض از یک طرف رکوع عرفی برایش ممکن است و رکوع عرفی اش این است که حد را از اقصی رکوع شرعی چند سانت پایین تر ببرد و از طرف دیگر رکوع شرعی حد دارد و این فرد با این انحنائش از حد رکوع شرعی خارج می شود و لذا ایشان فرمودند: این مساله محل تامل است و باید احتیاط کند به اینکه مقداری انحناء را تشدید کند و ذکر بگوید و بعد مقداری بالاتر بیاید تا به حد رکوع شرعی برسد و ذکر را دوباره بگوید.

محقق همدانی در مورد این فرض اخیر می فرمودند: حد شرعی برای انسان های متعارف است و این پیرمردی که انحنائش به اقصی مراتب رکوع رسیده است، رکوعش حد شرعی ندارد و هر چه خم تر بشود، برای او رکوع است و شارع برای او حد تعیین نکرده است؛ لذا ایشان در این فرض قائل بودند که یک مقدار پایین تر برود تا رکوع شرعی برای او بشود و البته به سجده نباید برسد.

ما یک سوال از محقق همدانی و محقق حائری داریم:

اینکه می فرمایید: این فرد از حد رکوع شرعی خارج می شود اما اگر مقداری خمیده شود رکع برای او صدق می کند؛ حد آخر رکوع شرعی کجاست؟ حد ابتدای رکوع شرعی وصول کفین به رکبتین است اما مازادش دیگر حد شرعی ندارد و هر چه پایین تر برود، رکوع شرعی است به شرط اینکه از حد رکوع عرفی خارج نشود؛ لذا رکوع شرعی مبداء دارد اما منتهی ندارد.

اگر بگویید: منتهای حد شرعی همان منتهای حد عرفی است، در این صورت اگر از حد عرفی خارج بشود، دیگر رکع صدق نمی کند در حالیکه شما فرض کردید رکع صدق می کند، فقط از حد شرعی بیرون می رود، منتهی محقق همدانی فرمودند: برای این فرد حد شرعی قرار ندادند و این حد شرعی برای دیگران است که سالم اند و محقق حائری فرمودند: در این صورت احتیاط کند پس فرقشان این است والا به نظر این دو بزرگوار رکوع منتهای شرعی دارد.

## کلام محقق بروجردی

ایشان فرمودند: ما بدنبال صدق رکوع نیستیم، از ادله فهمیدیم که در نماز بعد از قرائت، تذلل واجب است و تذلل به انحناء است و تذلل مراتب دارد. مرتبه اول آن، رکوع قیامی است و مرتبه آخر را ایشان نگفتند اما مرتبه آخر، ایماء به رکوع است و این فردی که نمی تواند احداث رکوع کند اما می تواند تشدید انحناء کند، تذلل مناسب با این شخص این تشدید است و کسی که انحنائش به حد اعلی رکوع رسیده است، برای او انحناء زائد لازم نیست، چون معلوم نیست انحناء بیش از این مرتبه مصداق تذلل باشد، از حد رکوع فهمیده شده است که بیشتر از این انحناء انجام نشود.[[9]](#footnote-9)

### بررسی قول اول: تشدید انحناء

اگر بخواهیم استحسان کنیم اشکالی ندارد این مطالب را مطرح می کنیم که امر به رکوع، رکوع اختیاری و ایماء به رکوع (که آن هم یک نوع انحناء راس یا انحناء عینین است) دارد و ما بین این دو حد انحناء، یک انحناء متوسط دارد که برای این پیرمرد است که از یک مرتبه رکوع به مرتبه دیگر که شدیدتر است، منحنی شود.

به نظر ما این مطالب در امور تعبدی جایگاهی ندارد. احترام به امراء یک ملاک عرفی دارد که این پیرمرد وقتی مقداری خم بشود، می گویند تعظیم کرد اما نمی گویند رکوع کرد. او قبل از این تشدید هم راکع بود و بعد از آن تحصیل حاصل است؛ لذا در احکام شرعی تابع قانون هستیم نه تابع اینکه چه چیزی استحسان بشود.

شارع گفته بعد از قرائت رکوع کند و این فرد نمی تواند ایجاد رکوع کند و این رکوع ادامه همان رکوع مادرزادی اوست و لذا نمی تواند احداث رکوع کند و شارع برای عاجز از رکوع، بدل قرار داده است که همان ایماء است و ما ملاک احکام را نمی دانیم.

محقق حکیم بیان دیگری دارند که طبق آن بیان (که موید قول دوم است) همین انحناء پیرمرد، انحناء صلاتی است که این بحث دیگری است اما تشدید انحناء دیگری وجهی ندارد و دلیل نداریم که اظهار تذلل به هر وجهی در نماز مطلوب است. خداوند فرموده است که رکوع کنید و تشدید انحناء رکوع نیست لذا قول اول صحیح نیست.

### بررسی قول دوم: صاحب جواهر

این فرد قصد کند که بقاءا انحنائش صلاتی باشد. بعد از قرائت واجب است مکلف راکع باشد و این فرد راکع است و تشدید و تخفیف انحناء لازم نیست؛ چون با تخفیف و تشدید از رکوع خارج نمی شود، فقط قصد کند که این انحنائش رکوع صلاتی باشد.

محقق حکیم در این مساله صاحب جواهر را تایید کرده اند و شیخ طوسی در مبسوط هم همین قول را انتخاب کرده اند و فرمودند: «فإذا أراد الركوع زاد على الانحناء قليلا ليفرق بين حال القيام و الركوع فإن لم يفعل لم يلزمه»[[10]](#footnote-10)

اگر انحناء را زیاد هم نکند، اشکالی ندارد، همین که قصد کند این انحنائش رکوع صلاتی باشد، کافی است و محقق در معتبر و علامه در منتهی فرمودند: این نظر خوبی است.

محقق حکیم فرمودند: کسانی که به قول دوم اشکال می گیرند یا می گویند: احداث رکوع لازم است و این احداث رکوع نیست بلکه ابقاء رکوع است و یا می گویند: رکوع از قیام متصل واجب است و این رکوع همراه با قیام متصل به رکوع نیست و هیچ کدام از این دو بیان صحیح نیست؛ چون اطلاق دلیل می گوید: بعد از قرائت راکع باشد و این فرد راکع است ولو این رکوع بقاء انحناء قبلی است اشکال ندارد.

اینکه گفته اند: رکوع باید از قیام متصل به رکوع باشد هم دلیل ندارد و اصل برائت از وجوب تشدید انحناء جاری می شود.

ایشان فرمودند: نه قول اول درست است که تشدید انحناء است و نه قول سوم که ایماء به رکوع است و محقق خوئی و محقق سیستانی انتخاب کردند؛ اشکال ایشان به قول سوم، عدم اطلاق در ادله ایماء است همان اشکالی که در ذهن ما هم بود و قبلا مطرح کرده بودیم ایشان فرمودند: ادله ایماء به رکوع موضوعش کسی است که از مطلق انحناء عاجز است و نسبت به کسی که متمکن از تشدید انحناء است، اطلاق ندارد و بعد از عدم ثبوت اطلاق، یک برائت از وجوب تشدید انحناء و یک برائت هم از وجوب ایماء جاری می شود و در همین حالت که هست در قلبش قصد رکوع صلاتی می کند و این ابقاء یک فعل اختیاری است، بله احداث رکوع نکرده است اما ابقائش در اختیار اوست و لذا میتواند آن را هدم کند.

عجیب از محقق حکیم است که در مساله 7 فرمودند: مقتضای کلام فقهاء احداث رکوع است و این کلامشان با مساله 7 چطور باید جمع می شود؟

1. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/خلقه) [↑](#footnote-ref-1)
2. [ذکری الشیعه، محمد بن مکی (الشیهد الاول)، ج3، ص365.](http://lib.eshia.ir/10184/3/365/ینقص%20) [↑](#footnote-ref-2)
3. کشف اللثام، ج 4، ص 74 [↑](#footnote-ref-3)
4. وسیله النجاة مع حواشی الامام الخمینی، ص 154 [↑](#footnote-ref-4)
5. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/خلقه) [↑](#footnote-ref-5)
6. [العروة الوثقی، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج1، ص667.](http://lib.eshia.ir/10028/1/667/خلقه) [↑](#footnote-ref-6)
7. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج15، ص40.](http://lib.eshia.ir/71334/15/40/منحنیا) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص505، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/505/حنی%20) [↑](#footnote-ref-8)
9. تبیان الصلاه، ج 6 ، ص 16 [↑](#footnote-ref-9)
10. [المبسوط فی فقه الإمامیة، شیخ طوسی، ج1، ص110.](http://lib.eshia.ir/10036/1/110/قلیلا) [↑](#footnote-ref-10)